

مجله‌ی مطالعات ایرانی
مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال چهارم، شماره‌ی هفتم، بهار ۱۳۸۴

مهر، خدای صلح و پیمان* (علمی - پژوهشی)

دکتر شمس‌الدین نجمی
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

ایران باستان، خاستگاه آیین‌ها و دین‌های بزرگ بوده است. پیدایش این آیین‌ها نشانه‌ی اندیشه‌ی والا و فرهنگ متعالی ایران در آن زمان بود که امروز بیاتر فرهنگ و تمدن ایران باستان است. یکی از این آیین‌ها که پیشینه‌ی آن به حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد بازمی‌گردد، «آیین مهر» است. این آیین در ایران باستان پیش از زرتشت مورد احترام و ستایش گسترده‌ی اقوام ایرانی بود، به طوری که از مرزهای جغرافیایی ایران هم فراتر رفت و کشورهای همجوار را درنوردید و تا یونان و روم را فرا گرفت.

واژگان کلیدی

ایران باستان، مهر، آیین مهر، آسیای صغیر، یونان، روم.

۱- مقدمه

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۱۰/۹ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۴/۱/۲۰

نشانی پست الکترونیک نویسنده: Pars_star@yahoo.com

در مطالعات و تحقیقات ایرانی به ویژه در دوره‌ی باستان، ویژگی‌های فرهنگ ایرانی جایگاه خاصی دارد. آیین‌های ایرانی از شاخصه‌های بارز فرهنگ ایران باستان است. یکی از این آیین‌ها که شهرت و معروفیت جهانی دارد، «آیین مهر» = Mithraism است. در این مقاله کوشش شده است ابتدا، با استناد بر منابع تاریخی و جغرافیایی، ضمن معرفی «مهر» خدای دیانت مهری، به جایگاه و اهمیت این آیین در ایران باستان پرداخته شود. سپس، فلسفه‌ی آیین مهر، جایگاه مهر در آیین زرتشت و نفوذ این آیین در کشورهای همجوار و انتقال آن به یونان و روم از طریق بین‌النهرین و آسیای صغیر مورد بررسی قرار گیرد.

۲- واژه‌ی مهر

مهر در اوستا و در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی، میثرَ «Mithra» و در سانسکریت میترَ «Mitra» آمده است. در زبان پهلوی هم «Mihr» همانطور که امروز می‌گوییم و معانی مختلفی را از آن اراده می‌کنیم. عهد و پیمان، محبت، فروغ و روشنی، پیوند و خورشید از جمله‌ی معانی آن است. هفتمین ماه سال خورشیدی و روز شانزدهم هر ماه نیز «مهر» نامیده می‌شود. مسعود سعد شاعر بزرگ ایران در قرن پنجم هجری این معانی را در یک بیت جمع کرده و می‌گوید:

روزِ مهر و ماهِ مهر و جشنِ فرخِ مهرگان

مهر بفرزا، ای نگارِ مهرِ چهرِ مهربان

بسیاری از اسامی چهره‌های تاریخی و نام‌های شهرها و نواحی قدیم ایران که در کتاب‌های مورّخین و جغرافی دانان ایرانی و عرب در قرون وسطی ضبط شده، با کلمه‌ی «مهر» ترکیب شده است، مانند: مهرداد، زرمهر، مهران، مهرجرد، بزرگ مهر، مهریز، مهرآباد و ... در تورات، کتاب عزرا، در باب اول، فقره‌ی ۸ آمده است که خزانه‌دار کورش بزرگ موسوم به «میترا دات» بوده است. چون مهر یکی از فرشتگان دین زرتشت و دارای مقام بلندی است و همچنین، بسیاری از آتشکده‌های عهد باستان هم به نام او بوده است،* چنانکه فردوسی گوید:

چه آذرگشَب و چه خردادِ مهر

*- در اصل برای آتشکده هم واژه‌ی «درِ مهر» استفاده می‌شده است.

فروزان چو ناهید و بهرام و مهر

(یشتها، ج ۱ ص ۳۹۲)

برخی از خاورشناسان هم مانند دارمستتر، به معنی اصلی و قدیم، این کلمه را دوستی و محبت گرفته‌اند. میتره در سانکسريت به معنی دوستی پروردگار و روشنایی و فروغ است. در «ودا» و در اوستا مهر، فرشته‌ی روشنایی و پاسبان راستی و پیمان است. در ادبیات پارسی هم «مهر» مکرر به معنی خورشید آمده است.

(یشتها ج ۱، ص ۳۹۲-۴۲۰)

۳- مهر در اوستا

مهر یا میترا در اوستا ایزد فروغ و روشنایی است و غالباً نام او همراه با نام انوار آسمانی یعنی ستارگان و ماه و خورشید، آورده می‌شود، مهر وظیفه‌ی نگهبانی از جهان و موجودات را در طول شب برعهده دارد و به همین دلیل، لقب (همیشه بیدار) را داشته است. «ستارگان و ماه و خورشید و مهر شهریار همه‌ی کشورها را می‌ستایم.» (مهر یشت، کرده‌ی ۱۴). و یشت دهم هم که شاید کهن‌ترین یشت موجود باشد، کاملاً به مهر اختصاص دارد. مهر رسالت‌های دیگری هم دارد. از آن جمله نگهبان «عهد و پیمان» است. داوری روان‌ها پس از مرگ به عهده‌ی اوست. حافظ خانواده هاست. بخشنده‌ی ثروت است و ایزد پیروزی و قدرت. دارنده‌ی چراگاه‌های وسیع است. گاوی که از گله‌ی خود جدا مانده از مهر یاری می‌جوید. (یشت دهم بند ۸۶).

نام مهر (میترا) در بین اقوام هند و اروپایی سال‌ها پیش از ظهور زرتشت یافت شده و از خدایان هند و اروپایی بوده است. لوحه‌ای گلی حاوی پیمانی است که میان هیتی‌ها، پیمان صلح بین پادشاه هیتی و میتانی = *mattivaza, šubilulyume*، ۱۳۸۰ پ.م - بغازکوی در شمال غربی آسیای صغیر یافت شده است، در روشن شدن قدمت میترا بسیار موثر است. در این لوح، از میترا و خدای آسمان برای نگهداری این پیمان کمک خواسته شده است. تاریخ این پیمان را حدود ۱۴ قرن پیش از میلاد مسیح می‌دانند.

اغلب خاورشناسان معنی اصلی «مهر» را واسطه و میانجی ذکر کرده‌اند. یوستی، آن را واسطه و رابطه میان فروغ مُحدث و فروغ ازل می‌داند و به عبارت

دیگر، مهر واسطه است میان آفریدگار و آفریدگان. در گات‌های یک بار میسرَه آمده به معنی وظیفه و پیمان (یسنا ۴۶، ۵).

(مهر انگیز صمدی، ماه در ایران، ص ۱۳۹-۱۳۸)

از آنجا که هدف زرتشت ترویج آیین یکتا پرستی بوده است، از میان خدایان ودایی که بین اقوام هند و ایرانی مشترک بودند، اهورا مزدا را به عنوان فرمانروای عالم پذیرفت و از اهمیت بقیه کاست. احترام زیادی که در «مهر یشت» نسبت به این ایزد به چشم می‌خورد، حاکی از این مطلب است که آیین مهر قبل از ظهور زرتشت و نیز همزمان وی میان عامه‌ی مردم محبوبیت بسیار داشته و در دیانت زرتشت با احترام و احتیاط بسیار از او سخن رفته است، چنانکه در مهر یشت اهورمزدا می‌گوید: «وقتی مهر را آفریدم و به مردمان دستور دادم که بر او قربانی کنند و فدیه بدهند و نماز گزارند و مقام او را به اندازه‌ی آن خودم بالا آوردم». «تواز مردمانی که حسن نیت به مهر دارند، حمایت می‌کنی. انسانی را که قصد صدمه زدن به او داشته باشد، منهدم می‌کنی. مهر دارنده‌ی زمین‌های فراخ است. آرزو می‌کنم که مهر پیروز، پادشاه شکوهمند مردمان روی زمین، مهر زورمند، مهری که بر او نماز گزارند به کمک ما بشتابد». (یشت دهم). درعین حال، زرتشت برای کاستن محبوبیت مهر نزد مومنان وی، رسم خون ریختن و قربانی کردن گاو و نوشیدن شرابی را که در اثر ترکیب شیرهی گیاه «هوما» و خون گاو قربانی شده بدست می‌آمد و ایجاد خلسه می‌نمود، ممنوع ساخت.

۴- مهر در کتیبه‌های هخامنشی

نام مهر به شکل Mithra از قرن چهارم پیش از میلاد، در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی جای گرفته. به طوری که پنج بار این نام تکرار شده است. نخست در کتیبه‌ی اردشیر دوم که (از سال ۴۰۴ تا ۳۵۹ ق م) سلطنت کرد. ضمن کتیبه‌ای که در خرابه‌های کاخ شوش به دست آمد، گوید: «این کاخ را (آپدان = Apadana) داریوش (اول) از نیاکان من بنا نمود. بعد، در زمان اردشیر (اول) پدر بزرگ من طعمه‌ی آتش گردید. من به خواست اهورامزدا، آناهیتا (= ناهید) و میثر (= مهر)، دوباره این کاخ را ساختم. بشود که اهورامزدا، آناهیتا و میثر مرا از همه‌ی دشمنان حفظ کنند و آنچه من ساخته‌ام، خراب نسازند و آسیب نرسانند».

باز از همین پادشاه، در پایه‌ی ستونی که در همدان به دست آمده و امروز در [موزه‌ی] انگلستان موجود است، چنین آمده است: «این کاخ را من به خواست اهورامزدا، آناهیتا و میثر بنا نمودم. بشود که اهورامزدا، آناهیتا و میثر مرا از کتیبه‌ی دشمنان حفظ کنند و آنچه من ساخته‌ام، ویران نسازند.»

پسر و جانشین اردشیر دوم یعنی اردشیر سوم هم که از سال (۳۵۹ تا ۳۳۸ ق م) سلطنت داشت، در کتیبه‌ای که در خرابه‌های پرسپولیس (=تخت جمشید) موجود است، گوید: «اهورامزدا و بَغ مهر، مرا و این مملکت را و آنچه را که توسط من ساخته شده است، باید نگهداری کنند. چنانکه ملاحظه می‌شود، در این چند بند از کتیبه‌ها، ناهید هم مانند مهر، بار اول است که در آثار پادشاهان هخامنشی ظاهر می‌شود، مگر در مورد اخیر که «مهر» تنها نام برده شده است.

(یشتها، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۶)

۵- مهر در روم و اروپا

بعدها، مهر پرستی به روم و سپس، به اروپا راه یافت. پلوتارک می‌گوید: «رومی‌ها میترا را به وسیله‌ی (دریا زنان) که یکی از ایالات آسیای صغیر است، شناختند. این (دریا زنان) نخستین کسانی بودند که در انتشار دین میترا کوشیدند. البته در این سفر میترا و آیین وی دستخوش تغییر و تحولات بسیار گردید و با میترای آیین مزدایی از بسیاری جهات تفاوت‌هایی پیدا کرد. (مهرانگیز صمدی، ماه در ایران، ص ۱۴۰).

مهر پرستان روز ۲۵ دسامبر را به عنوان زادروز وی جشن می‌گیرند. میترا، زاینده‌ی روشنایی و سنگ زاد است. از دل صخره‌ای زاده شده در حالی که کاملاً برهنه است و کلاهی شکسته (کلاه فریجی) به سر و خنجر و مشعلی در دست دارد. گاه به دستی کره‌ی زمین* و دست دیگر او روی صخره‌ای است. غالباً دو مَشعلدار نظاره‌گر صحنه‌ی ولادت میترا هستند. نخستین خدایی که علو مقام مهر را شناخته، خورشید است و هم او حلقه‌ای از نور پیرامون سر میترا قرار داد.

* - نشانه‌ی سلطه‌ی مهر بر کاینات می‌باشد.

مهمترین رسالت مهر کشتن گاو است که نخستین آفریده‌ی «ژوپیترا» (هرمز) است.

۶- فلسفه‌ی دین مهر

در غالب سنگ نگاره‌های یافت شده در مهرابه‌ها تصویر مهر در حالی که به گاو‌ی آویخته و او را به داخل غار می‌کشد، دیده می‌شود. گاه گاو را به دوش گرفته و به غار می‌برد. یا یک دست در بینی و یا شاخ او کرده و با دست دیگر، دشنه‌ای به قلب او فرو می‌کند. گاو، خسته و فرسوده می‌شود، میترا به پشت گاو می‌نشیند و شاخ‌های او را گرفته او را به غار می‌برد. گاو می‌گریزد. مهر از محل او آگاه نیست. خورشید، پیک خویش یعنی «کلاغ» را به جانب میترا فرستاده محل گاو را به او می‌نماید. میترا بر خلاف میل خودش و به اکراه به تشویق خورشید، گاو را دستگیر کرده او را می‌کشد. کشتن گاو به فرمان خورشید و میانجی‌گری کلاغ صورت می‌گیرد و این کنایه‌ای است از «غلبه‌ی بهار و تابستان بر زمستان». زیرا در آن زمان «گاو نماد زمستان بوده و خورشید نشان تابستان».

پس از این کشتار، خون گاو روی زمین ریخته و باعث حاصلخیزی و نیرومندی آن می‌گردد (موجب رویش درخت رز می‌شود) و از دم او هم خوشه‌های گندم می‌روید. در تصاویر «مهرابه‌ها» غالباً عقربی نشان داده شده که اعضای تناسلی گاو را فشار می‌دهد و یک سگ و یا گاو سربلند کرده‌اند تا به محل جراحی گاو برسند و خون جاری را بکنند. استاد ابراهیم پورداوود از قول «کومون» (komon) می‌گوید که: «ماه، نطفه‌ی ورزا (=گاو نر) را پاک نمود و به خود گرفت و انواع و اقسام جانوران مفید از آن وجود یافت. روح گاو که توسط سگ وفادار مهر محافظت شده بود، به آسمان عروج کرد و در آنجا به نام «سیلوانوس» نگهبان گله و رمه گردید». (مهرانگیز صمدی، ماه در ایران، ص ۱۴۱).

داستان کشتن گاو اولیه به دست اهریمن در روایات پهلوی دین زرتشت، به کشتار گاو به دست میترا در آیین مزدایی بسیار شبیه است و درباره‌ی این مسأله که داستان از کدام منبع به دیگری انتقال یافته است، اختلاف نظرهایی پیدا شد. صرف نظر از اینکه این داستان از کدام یک به دیگری انتقال یافته، در هر دو

روایت، ماه نقش مهمی دارد. اساساً از آنجا که گاو با ماه در صحنه‌ی اعتقادات بشری به دوران‌های بسیار کهن می‌رسد و از آنجا که گاو با ماه رابطه‌ای نزدیک دارد و گاو از نمادهای اولیه‌ی ماه است، شاید بتوان این مهمترین واقعه در «اسطوره‌ی مهر پرستی یعنی کشتن گاو» را به فرمان خورشید، شروع برتری منزلت خورشید بر ماه، یعنی «ظهور عصر کشاورزی» دانست. (مهرانگیز صمدی، ماه در ایران، ص ۱۴۱).

محل پرستش مهر یعنی «مهرابه» یا در غارهای طبیعی بوده و یا محل‌هایی که به شکل غار در زیر زمین بدون پنجره و روزن می‌ساختند. اصولاً غار، «نشانه‌ی گنبد آسمان» است و معمولاً طاق مهرابه‌ها را با نقوش ستاره‌های مصنوعی تزیین می‌کردند. صورت خدای خورشید و خدای ماه و در میان ایشان صورت سایر خدایان سیارات نقش بسته شده است. غالباً خدای ماه به شکلی نیم تنه یا سوار بر ارابه‌ای نشان داده می‌شود که تاجی به سر دارد و پشت سر او هلال ماه دیده می‌شود. درباره‌ی رابطه‌ی میترا و خورشید، تحقیقات بسیار به عمل آمده است. برخی خدای خورشید را تابع و وابسته‌ی میترا می‌دانند و برخی مقام خورشید را رفیع‌تر از میترا فرض می‌کنند.

۷- جشن مهرگان

روز شانزدهم هر ماه خورشیدی، مخصوص فرشته‌ی فروغ و روشنی است و به «مهر روز» نامیده می‌شود. در این روز جشن بسیار بزرگی برپا می‌شود. به گفته‌ی «بندهش» مشی و مشیانه (آدم و حوا) در چنین روزی تولد یافتند، این جشن را در قدیم «متراکانا» می‌گفتند. یعنی متعلق به مهر. بعدها این ترکیب، به مهرگان تبدیل شد که مهرگان معرب آن است. این جشن بزرگ شش روز از روز شانزدهم مهرماه شروع می‌شد و به روز بیست و یکم که «رام روز» باشد، ختم می‌گردید. روز آغاز را «مهرگان عامه» و روز پایان را «مهرگان خاصه» گویند. در ایران باستان، سال به دو فصل تقسیم می‌شد. اول تابستان (هم = Hama) و پس از آن زمستان (زین = Zayana) در تمام اوستا از همین دو فصل نام برده شده است. نوروز جشن آغاز

تابستان است و مهرگان جشن آغاز زمستان. جشن مهرگان، به ویژه بسیار شوخ و سرورانگیز بود. (یشتها، ج ۱، ۳۹۶).

کتزیاس می نویسد: «که پادشاهان هخامنشی هیچ گاه نایستی مست شوند، مگر در جشن مهرگان که لباس فاخر ارغوانی پوشیده و در باده نوشی با می خوارگان شرکت می کردند.» مورخ دیگر دوریس = Duris می نویسد: «که در این جشن پادشاه می رقصید. به قول استرابون = Strābon، خَشْتَر پاون (ساتراپ) ارمنستان، در جشن مهرگان، بیست هزار گره اسب به رسم ارمنان به دربار شاهنشاه هخامنشی می فرستاد. اردشیر بابکان و خسرو انوشیروان* در این روز رخت نو به مردم می بخشیدند. در بندهش هم آمده است که در روز مهرگان مشی و مشیانه (آدم و حوا) از نطفه‌ی کیومرث پدید آمدند. (بندهش، فصل ۱۰).

از نویسندگان ایرانی و عرب هم اخبار زیادی در خصوص مهرگان نقل شده است. از آن جمله آمده است که در این جشن، موبدان موبد خوانچه‌ای را که در آن لیمو، شکر، نیلوفر، به، سیب و یک خوشه انگور سفید و هفت دانه «مورد» گذاشته شده بود، زمزمه کنان (واج گویان) نزد شاه می آوردند. (یشتها ج ۱، ص ۳۹۶-۳۹۷).

۸- آیین مهر در کشورهای همجوار

چون پادشاهان ایران باستان توجه خاصی به مهر داشتند و کلیه‌ی لشکریان فتح و پیروزی خود را از او می دانستند، از این رو ستایش «مهر» سراسر ایران را فرا گرفته و در همه جا از او یاری و پناه خواسته می شد. نفوذ او از حدود ایران هم گذشت و به تمام ممالکی که تحت استیلای شاهان ایران بود، رسید.

در بابل که یکی از پایتخت‌های ایران و اقامتگاه زمستانی پادشاهان بود، «مهر» با پروردگار محلی (شمش = shmash) به واسطه‌ی شباهتی که با او داشت، یکی تصور شد. به نظر اهالی آنجا ستایش مهر، بیگانه و غریب نیامد. چنانکه «ناهید» الهه‌ی ایرانی هم با (ایشتار = Ishtār) الهه‌ی بابلی برابری نمود و پرستیده شد. آیین

* - شاهنشاهان دودمان ساسانی

مهر از بابل به تمام آسیای صغیر انتشار یافت و در ممالک یونانی زبان هم با پروردگار خورشید یونانی هلیوس = Helios خویشی به هم رسانید. خلاصه این که آیین مهر به هر جا که رفت با پروردگار محلی خورشید برابر دانسته و مورد توجه و محبت قرار گرفت. بدون آنکه اساس آریایی آن تغییر کند، هر یک از اقوام بیگانه رسم و عاداتی از پروردگار خود را با او تطبیق داده و به مذاق خویش نزدیک نمودند. به این ترتیب، وسعت خاک مهر از طرف مغرب به دریای سیاه و دریای یونان (اژه = Egee) و از طرف شرق به سند یعنی هندوستان همان مملکت آریایی که در آنجا مهر از زمان بسیار قدیم پروردگار فروغ و روشنی بوده است، کشیده شد. می توان گفت عظمت و جلال مهر در تمام این ممالک وسیع آسیایی از زمان هخامنشیان تا چندین قرن پس از میلاد مسیح برقرار بود. به طوری که از زمان فتح ایران به دست اسکندر مقدونی به درخت تنومند و کهنسال آیین مهر آسیایی نرسید و پس از مرگ اسکندر و تقسیم ممالک تسخیر شده‌ی او میان سردارانش دوباره آیین مهر به شدت تمام در سراسر ممالک «قلمرو مهر» گسترده شد. (یشتها، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۸).

۹- مهر در کتاب‌های مورخین یونان و روم

اغلب مورخین یونانی به فرشتگان «مزدیسنا» به مناسبت مقام و مسئولیت‌شان نام یکی از پروردگاران خود را که با او شباهتی داشته، می‌داده‌اند. مثلاً به «ناهِید» ایرانی نام الهه‌ی یونانی (آرتمیس = Artemis) را داده‌اند. به جز «مهر» که نام او تبدیل نشده و او (میترس = Mithres) نامیده شده است و این دلیل شهرت و بزرگی مهر است.

گزنفون = xenophon، در کتاب (سیروپدی = cyropedy) می‌نویسد: «پادشاهان هخامنشی به مهر سوگند یاد می‌کردند». پلوتارک هم به نوبه‌ی خود نقل می‌کند: «از آنکه داریوش برای کار مهمی به یکی از خواجگان خود دستور می‌دهد که راست بگوید و از مهر بترسد. از این دو نمونه بر می‌آید که «مهر» از قدیم گواه راستی و دروغ بوده و دروغگویان را به سزا می‌رسانیده است. کُرتیوس (= curtius) می‌نویسد: «داریوش (سوم) در جنگ با اسکندر در نزدیکی اربل (= Arbela) از مهر تقاضای

کمک نمود که به لشکرش پیروزی دهد». این خبر نیز موافق است با آنچه در اوستا آمده است که مهر فرشته‌ای است که به ویژه در میدان‌های جنگ از او یاری خواسته می‌شود.

استرابون (= Strabon) می‌گوید: «ایرانیان خورشید را به نام میت‌رس (= Mithres) می‌ستایند. از این خبر می‌توان دریافت که در یک قرن پس از مسیح، مهر با خورشید مشته شده و این دو را یکی می‌پنداشته‌اند. موثق‌ترین خبری که به ما رسیده، همان خبر پلوتارک می‌باشد که می‌نویسد: «زرتشت تعلیم داد که هرْمُزَس (= Hormoses = هرمز) در عالم شبیه است به نور و فروغ و ارمینوس (= اهریمن) شبیه است به ظلمت. در میان این دو «میت‌رس = مهر» قرار داده شده است». از این جهت ایرانیان او را «واسط و میانجی» می‌دانند. این خبر پلوتارک، اشاره دارد به معنی اصلی کلمه‌ی «میشتر» که گفته شده و باید یادآور شویم که عقیده‌ی ایرانیان باستان در واسطه بودن مهر، بسیار قدیم‌تر از عهد پلوتارک است که در قرن اول میلادی می‌زیست. (یشتها، ج ۱، ص ۴۰۱-۴۰۰).

۱۰- آیین مهر در رم

پلوتارک می‌نویسد: «از دیر زمان راهزنان دریایی سیلیسی = cilice (ولایت ترسوس امروزی) در بالای کوه (اولمپ = olympe) یعنی در همان جایی که همیشه مقرّ پروردگاران یونانی بود، عبادت سری و فدیه و قربانی از برای «مهر» برقرار می‌داشتند. بنا بر شهادت همین مورّخ در زمان خود او که از سال (۴۹ تا ۱۲۵ میلادی باشد، فرقه‌ای از «مزدیسنا» که مقصودش «آیین مهر» است، در اروپا معروف بود. به هر حال، پیروان مهر در این زمان زیاد نبودند، ولی در اواسط قرن اول میلادی مهر مقام بلندی داشت. چون بنا به گفته‌ی یکی از مورّخین رم به نام دیوکاسوس (= Diocassus) زمانی که «تیردات» پادشاه ارمنستان برادر «بلاش اول اشکانی» به رم آمد تا از دست امپراتور نرون (= Neron) تاج فرمانروایی ارمنستان را به سر بگذارد، در روز جشن تاجگذاری به امپراتور گفت: «من به نزد تو آمدم تا تو را مانند (مهر) بستایم».

همچنین، پلوتارک هم می‌نویسد: «در عهد پومپه (= pompee) بزرگ، در سال ۶۷ پیش از میلاد، وقتی که رمی‌ها راهزنان سیلیسی را شکست دادند، در همان تاریخ با آیین مهر که در تمام آسیای صغیر منتشر شده بود، آشنا شدند و در واقع در اثر شکست مذکور، تنها چند نقطه از سواحل سیلیسی به دست رومی‌ها افتاد و پس از دو قرن تمام آن مملکت فتح گردید. در سال (۱۰۲ میلادی) از ایالت‌های رم محسوب گردید. هر چند که نفوذ و ظهور آیین مهر در اروپا به این اندازه قدیم است، ولی انتشار آن در اواخر قرن اول میلادی است. لشکر کشی‌های دولت رم و فتوحات آن‌ها در آسیای صغیر و عراق به تدریج آیین مهر را به اروپا نفوذ داد. (یشت‌ها، ج ۱، ص ۴۰۹).

نتیجه

در مقدمه‌ی این مقاله گفته شد که یکی از محورهای اصلی در مطالعات و تحقیقات ایرانی در دوره‌ی باستان، پرداختن به ویژگی‌های فرهنگ ایران است. در این راستا، البته دین‌ها و آیین‌های ایرانی از ویژگی خاصی برخوردارند. یکی از این آیین‌ها که شدت و معروفیت جهانی دارد، «آیین مهر = Mithraism» است که در این مقاله سعی گردید با استناد بر منابع تاریخی و جغرافیایی به طور اجمال به معرفی این آیین و جایگاه و اهمیت آن در ایران باستان و همچنین، فلسفه‌ی آن و چگونگی نفوذ و انتقال آن به کشورهای یونان و روم از راه بین‌النهرین و آسیای صغیر پرداخته شود.

کتابنامه

- ۱- اوستا، گزارش و تفسیر پور داود، نگارش: جلیل دوستخواه، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۶۶.
- ۲- بنونیست، امیل، دین ایرانی بر پایه‌ی متن‌های یونانی، ترجمه: بهمن سرکاراتی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۴.
- ۳- بیرونی، محمد بن احمد، آثار الباقیه، ترجمه‌ی اکبر دانا سرشت، تهران امیرکبیر ۱۳۶۳.

- ۴- بهار، مهرداد، اساطیر ایران، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
- ۵- خلف تبریزی، محمدبن حسین، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱، ۵ جلد.
- ۶- دورانت، ویل، تاریخ تمدن (کتاب اول)، ترجمه‌ی احمد آرام، تهران، فرانکلین، اقبال، ۱۳۴۳.
- ۷- دهخدا، علی اکبر خان، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۸- کوباجی، ج.س، آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان، ترجمه‌ی جلیل دوستخواه، تهران، جیبی، فرانکلین، ۱۳۵۳، جلد ۵.
- ۹- گات‌ها، مجموعه‌ی اوستا، سرودهای زرتشت، گزارش ابراهیم پور داوود، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- ۱۰- مصاحب، غلامحسین، دایرة المعارف فارسی، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی (موسسه‌ی فرانکلین)، سه جلد، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۱۲- نفیسی، علی اکبر خان، فرهنگ نفیسی، تهران، انتشاران رنگین، ۱۳۲۰.
- ۱۳- یسنا، جزوی از اوستا (ج ۱)، تفسیر و تألیف پور داود، بمبئی، انجمن زرتشتیان بمبئی، ۱۹۳۸.
- ۱۴- یشت‌ها، جزوی از اوستا (ج ۱)، تفسیر و گزارش پور داود، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښکي
پرتال جامع علوم انساني



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښکې
پرتال جامع علومو انساني